

حلقه صفویه در انگلستان

(۲)

در دربار

حمد تقی

به هنر و

به انتشار

زبان بنانی و

تاریخ

بزرگ به بقیه

پیشی کاملاً

تکلیف شرقی

مال برخی از

میران انکار

به سوغات

پیشن و از

دیگر سخن

تعمیر، مآخذ

زبان آن شیوه

به لری جویی، و

نویسنده که

نزدین اخیر

تعمیر مطالعه

آشاره به مآخذ

امرسن (از دانشگاه هاروارد): «جمعیت شهرهای بزرگ و کوچک در دوره صفویه

در قرن ۱۱/۱۷»

آنچه برای هر نوع پژوهش در تاریخ اقتصادی ایران صفویه، اساسی است، دستیابی به ساختار جمعیت‌شناسی (دموگرافی) آن است، بدین قرار:

تعداد جمعیت، حرکت جمعیت (مهاجرت و کوچ‌نشینی داخل و خارج)، ترکیب سنی، و ترقی و تنزل جمعیت که به وسیله آمار ولادت، ازدواج و مرگ به دست می‌آید. در سالهای اخیر، گامهای بزرگی برای اطلاع از وضع ساختار جمعیت اروپای غربی در همین دوره برداشته شده است از جمله تکنیک‌های نظری آن است که از یک جمعیت شناخته شده و یک منطقه در زمانی ویژه برای تخمین مقدار آن در زمانهای پیش، احتساب تقریبی شده است. برای دوره صفویه منابع مقدماتی بسیار کمی که دارای اهمیت نسبی است وجود دارد. آنچه هست به اختصار شناسایی و مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. شواهدی درباره جمعیت شهرها، در نوشته‌های سیاحان اروپایی، موجود است که دامنه و محدودیت آن مورد بحث قرار خواهد گرفت. ولی صحت ارقام مذکور در آنها منوط به رسیدگی دقیق است. سپس آنها را با ارقامی که برای جوامع قابل مقایسه مانند امپراتوری‌های عثمانی و گورکانی هند که تقریباً در وضع بهتری قرار دارند، پهلوی هم قرار خواهیم داد.

مقایسه‌ای نیز با شهرهای اروپایی در همان دوره، صورت خواهد گرفت. یک نتیجه

حاصل از این بررسی آن است که مهاجرتهای بزرگ به درون شهرها، میزان مرگ و میر شهرهای بزرگ را جبران می‌کند. از سوی دیگر تاکنون چند بار برای برآورد تعداد کلی جمعیت ایران در دوره صفویه کوششهایی به عمل آمده است، همراه با کوششی برای تعیین اختلافاتی که از تغییر حدود و ثغور کشور حاصل شده است، همچنین درباره این موضوع که آیا ممکن است آنها در حرکت‌های کلی جمعیت جهان در این دوره جای گیرند، نیز بررسی به عمل خواهد آمد. در ضمن کوشش خواهد شد تا از ارقام شناخته شده قرن نوزدهم میلادی احتساب تقریبی به دست آید، و موقعیتهای جغرافیایی و تکنولوژیکی نامتغیر وسیع ایران پیش از قرن بیستم میلادی، مورد رسیدگی قرار گیرد (به ویژه اندازه واحه‌ها) تا محدودیتهای این مناطق برای اندازه‌های ممکنه جمعیت در نظر گرفته شود.

سرانجام، این موضوع نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت که آیا برخی از نظریه‌های نوین جغرافیایی مانند محل مرکزی، rank size و نظریه شهرهای عمده، کمکی به درک تقسیم‌بندی جمعیت شهری در ایران صفویه می‌کند یا نه.

ماتپی (از دانشگاه دل‌ور، در شرق امریکا): «شهرهای بدون دیوار و چادرنشینان ناآرام»

این سخنرانی حالت و تحول جنگ و تکنولوژی نظامی ایران در دوره صفویه در برابر زمینه به اصطلاح انقلاب نظامی قرون ۱۶ و ۱۷م. مورد بررسی قرار می‌گیرد. ایران در برخی از کارها به ویژه سربازگیری و پذیرفتن اسلحه گرم، از اروپا و امپراتوری عثمانی تقلید می‌کرد، در حالی که در بعضی موارد مهم با سایر کشورها متفاوت بود.

مهمترین مسأله این است که در حالی که شهرهای نوین در مغرب زمین به پادگانهایی تبدیل می‌شد که دارای دیوارهای ضخیم‌تر و استحکامات نفوذناپذیر بود، مراکز شهری ایران نه تنها بدون استحکامات نسبی باقی ماند بل در بسیاری از موارد دیوارهای پیشین آنها هم از میان رفت. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که ایرانیان پیش از همسایگان خود، حکومت‌های عثمانی و گورگانی هند، در پذیرفتن تکنیکها و ابزار سنگین در جنگ محاصره‌ای، بی میلی از خود نشان می‌دادند.

با بررسی این پدیده بر پایه شرح وقایع دربار ایران، گزارشهای سیاحان غربی، و پرونده‌های دربانوردی اروپاییان، به علل فقدان نسبی توپخانه و شهرهای فاقد استحکامات در ایران توجه مخصوص می‌شود. در این جا تأثیر متقابل میان این دو موضوع، نشان داده

می‌شود، و نیز تأثیر گرایش تاریخی درباره جنگ و نقش شهرها در برخوردهای نظامی، حالات اقلیم‌شناسی و موضع‌نگاری (= توپوگرافی)، و همچنین فضای امنیت نسبی در اواخر دوره صفویه، مورد گفتگو قرار می‌گیرد. در این مورد، مهمترین نکته — پس از رسیدن به یک آرامش پایدار با عثمانیان در ۱۶۳۶ م. — ممکن است غیبت یک دشمن باشد که توجه به کاربرد توپخانه را ضروری می‌سازد.

در طول قرن ۱۷ م. حکمرانان ایران در به دست آوردن و به کاربردن انواع (جدید) اسلحه گرم، از خود علاقه نشان دادند. مع هذا، این نکته را باید در نظر داشت که بیشترین دشمنان باقی‌مانده خارجی کشور، چادرنشینی بودند که اسلحه گرم نداشتند. حاکمان صفویه تا بعد از انتقال حکومت در اوایل قرن ۱۸ م.، انگیزه کمی برای تجربیات و آزمایشهای نظامی داشتند.

نیومن* (از دانشگاه اکسفورد): «فیض کاشانی، مجتهد، نیمه‌مجتهد، و نیمه محدث و اخباری»

این خطابه بر اساس کتاب اخیر سختران در مباحث اصولی - اخباری در دوره صفویه تهیه شده است. پژوهشگران غربی، معمولاً ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق. / ۱۶۸۰ م.) را در شرایطی تقریباً ضد و نقیض مورد بحث قرار داده‌اند یعنی یا کاملاً با توجه به تمایلات عرفانی او — که جزو افراد «مکتب فلسفی اصفهان» به‌شمار می‌رود — و یا با توجه به تمایلات به اصطلاح اخباری او. وی حتی به‌عنوان یک عارف - مجتهد و یک نفر اخباری نیز توصیف شده است.

شیوه زندگانی و به‌ویژه صفات عالمانه ملا محسن فیض کاشانی به‌منظور تعیین هویت او در ارتباط با طبقه بندی — البته ایده‌آلی — علمای مذهبی، در راستای طیفی از اصولی افراطی به اخباری افراطی که توسط شیخ عبدالله بن صالح السماهیجی بحرینی (متوفی ۱۱۳۵ / ۱۷۲۲-۳) در کتاب منیه الممارسین فی اجوبه مسائل الشیخ یاسین مورد بحث قرار گرفته، در این سخنرانی به تفصیل بررسی شده است.

السماهیجی در این کتاب، وی را مجتهد - محدث می‌خواند. این طبقه بندی، هم از جهت احکام کاشانی در مسائل روز و هم مفاهیم عملی زندگانی جامعه در طول غیبت، و نیز

* آندرو نیومن پژوهشگر جوان و علاقه‌مند امریکایی ساکن اکسفورد در انگلستان است. وی در زمینه مسایل اسلامی — از قبیل پزشکی — به پژوهش مشغول است و دارای مقالاتی است.

گ و

تعداد

بشی

لورباره

اجای

ساخته

ایی و

بگیرد

بت در

ا

یه‌های

به‌درک

ا

ا

رئیشیان

ا

کر برابر

ایران در

عثمانی

ا

ب زمین

ایر بود،

از موارد

بان بیش

ا و ابزار

ا

غربی، و

الحکامات

نشان داده

توجهات عرفانی - فلسفی او و عمل متقابل وی با مقامات غیرمذهبی، کمی محدود است ولی با این حال کاملاً مناسب توصیف شده است.

بابایان* (از دانشگاه تکزاس شمالی): «ردیه بر صفویه: نشانه‌ای از زوال قزلباشان» در این سخنرانی کوشش شده است تا تغییر مفهوم ثانوی کلمه «صوفی» در تاریخ‌نگاری صفویه روشن گردد. مقصود اسکندریگ (متوفی ۱۶۳۳ م.) مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی، از این که صوفی را از ناصوفی مشخص می‌کند چیست؟ در این جا زوال تدریجی کلمه صوفی تا آغاز افول صفویه - که سازشی توارثی میان تصوف عملی و نظری بود، بیان می‌شود. این امر باعث تعریف دقیقتر مفهوم تصوف در دوره صفویه خواهد بود. همچنین چگونگی جریان‌ات ایدئولوژیکی تاریخ صفویه که می‌تواند به وسیله معنی تغییرپذیر کلمه صوفی پیگیری شود، نشان داده می‌شود.

برخورد میان این گونه شیوه‌های مختلف فکری را در جدالهای مذهبی (= ردیه) آثار متشرعین و متصوفه می‌توان دید. از این ردیه‌ها، روشن است که تا قرن ۱۷ م. علما می‌کوشیدند صوفیان، درویشان، غلات صوفی و حتی عارفان را در یک قاطی‌قوری سزاوار سرزنش، به‌شمار آورند. چرا؟

این حقیقت که چنین مجادلات و مباحثاتی اغلب در پایان دوره شاه‌عباس اول و حکومت شاه‌صفی رواج پیدا کرد، نه در زمانی که اسماعیل عنوان شاهی یافت و علناً امامت را پذیرفت، بر زوال پیوسته ایدئولوژی و نیز نیروی سیاسی قزلباشان گواهی می‌دهد.

ورای تهیه کردن شواهدی برای فرسودگی قزلباشگری در قرن ۱۷ م. و روشن کردن درجات اختلاف مباحثات میان علما، این مجادلات و مباحثات، شامل رنگ و بوی فرهنگ مشهور صفویه می‌باشد.

سرانجام، طرحی از گرایشهای آمیخته و مرکب که چشم‌انداز روحانی قزلباش را فراگرفت همراه با تیرگی روابط میان پرهیزکاران و امامیان آنان که آشکار شد، ارائه می‌شود.

* خانم کاترین بابایان از ارمنه ایران است که پانزده سال پیش به امریکا مهاجرت کرد. وی در این مدت مراحل دانشگاهی را با کامیابی گذراند و در مسایل ایران‌شناسی متخصص گردید و سپس مشغول تدریس در دانشگاه شد. چکیده سخنرانی وی بیانگر تسلط و زمینه پژوهشهای اوست.

خلفتم
ست
شا
۱۰۱۰
ام
یکاربخ
این جا
رالمی و
یزد صفویه
به وسیله
را
ردیه
بر
مربزوار
تا
اول و
و علناً
ایرا گواهی
در
من کردن
و بوی
بر
باش را
مرد، ارائه
آن
مرد این مدت
(در دانشگاه
به

میل ویل* (از دانشگاه کمبریج): «زیارت و سیاست در دوره صفویه: نمونه‌ای از شاه عباس اول»

شاه عباس اول روز پنجشنبه ۱۵ ربیع الاول سنه ۱۰۱۰ هجری قمری مطابق ۱۳ سپتامبر ۱۶۰۱ میلادی برای انجام نذری که کرده بود، به قصد زیارت حرم امام رضا با پای پیاده اصفهان را به سوی مشهد ترک کرد. ماهیت این نذر معلوم نیست. شاه، ۶۶ روز بعد، یکشنبه ۲۲ جمادی الاول، مطابق ۱۸ نوامبر به مشهد رسید.

با اهمیت‌ترین شرح این راه‌پیمایی را اسکندریگ منشی نوشته است. وی بدون ارائه تاریخ می‌گوید این راه‌پیمایی ۲۸ روز طول کشید. او همچنین می‌گوید که منجم یزدی، منجم دربار، مسافت هر روز سفر را اندازه گرفت به طوری که تمامی طول سفر را می‌توانست محاسبه کند، ولی وی رقم نهایی را گزارش نمی‌کند. به هر حال، یزدی تاریخ راه‌پیمایی و هم طول راه را، روی هم کمی بیش از ۱۹۹ فرسنگ ارائه می‌دهد، و تعداد ۳۶

* چارلز مل ویل، عضو پیروک کالج دانشگاه کمبریج، دنباله‌روی مسیر علمی پیشین خود از همان کالج مانند براون و آبروی و لاکهارت است. وی زیر دست پژوهشگران پرآوازه‌ای همچون خانم لبتن، برنارد لوس و هویت - هر سه از دانشگاه لندن و استادان تاریخ ایران و اسلام و از ویراستاران و مؤلفان تاریخ اسلام طبع کمبریج (۱۹۷۰م.) - قلمذ کرده، و در جوانی با آمبریز یکی از سرشناس‌ترین زلزله‌شناسان معهود در انگلستان (استاد دانشگاه لندن) در تألیف کتاب آرزتمندی به عنوان تاریخ زلزله‌های ایران (۱۹۸۲م.) با وی همکاری نموده است (این اثر توسط ابوالحسن رده به فارسی ترجمه شد و در ۱۳۷۰ش/۱۹۹۱م. در طهران نشر یافت).

مل ویل چندین مقاله مفصل و جداگانه در باب حوادث طبیعی در ایران مانند سیل و زلزله و نیز قسمتهایی از تاریخ ایران دارد. قلم وی در کاربرد منابع فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی... بسیار غنی است؛ چه، این پژوهشگر در مآخذشناسی ید طولایی دارد و در استفاده از آنها روشی ویژه. همچنین او جزو سه تن از ویراستاران شایسته مجلد هفتم تاریخ ایران طبع کمبریج (شامل دوران نادرشاه تا کنون، در ۱۲۰۰ صفحه، سال ۱۹۹۱م.) است.

این استاد میانسال با قدی بلند و چهره‌ای منبسم، شخصیتی دوست‌داشتنی، معلمی محبوب، همدمی فروتن و همکاری معتم است، و در تدریس زبان فارسی و تاریخ اسلام (با توجه ویژه به تاریخ ایران) استادی ست فرزانه و پرمایه.

یکی از مقاله‌های مفصل او به عنوان «زلزله‌ها در تاریخ نیشابور» (مجله IRAN، جلد ۱۸، سال ۱۹۸۰م.)، ص ۱۰۳-۱۲۰) قریب به ۱۰ سال پیش توسط اوانس اوانیان به فارسی ترجمه شد. سپس استاد باستانی پاریزی از سر لطف و علاقه بر آن ترجمه، مقدمه‌ای درخور به قلم کشید. لکن «در اثر گردش زمان و تبدلات دوران» آن ترجمه بدون آن مقدمه در مجله آینده، سال ۱۹، شماره اسفند ۱۳۷۲ (ص ۸۸۸-۹۱۳) زیر عنوان «نیشابور و زلزله» چاپ شد و در مرداد ۱۳۷۳ نشر یافت. ضمناً استاد باستانی بر پایه و مایه آن مقاله و مقدمه خود، کتابی به عنوان ماه و خورشید فلک (نشر خرم، قم، ۱۳۷۱، ص ۴۲) منتشر کرد و بدین سان وی در سن ۶۷ سالگی چهل و چهارمین کتاب خود را به رویدادهای طبیعت اختصاص داد و دین خود را به این جهان ادا کرد.

محل در مسیر سفر را نشان داده است که بایستی مطابقت ناکاملی با منازل روزانه سفر داشته باشد.

این سفر، گرچه مشهورترین زیارت شاه‌عباس است، ولی به‌هیچ‌وجه یک نمونه منحصر به‌فرد نیست. چه وی افزون بر زیارت‌های عادی، زیارت‌های دیگری نیز با پای پیاده کرده است. در این سخنرانی این موضوع نیز بررسی می‌شود که شاه‌عباس در این کار تا چه حد شیوه کار نخستین افراد خاندان صفویه را دنبال کرده است. در این‌جا به‌شهر اردبیل، زیارتگاه خانوادگی، که بیشتر اعضای خاندان صفویه در اوایل حکومتشان به‌زیارت آن می‌رفتند و شهر مشهد که به‌وسیله پادشاهان پی‌درپی به‌حد زیادی پشتیبانی می‌گردید، توجه ویژه‌ای شده است. شواهد موجود تأیید می‌کند که کار شاه‌عباس مانند بسیاری از موارد دیگر، استثنایی بوده است. با این همه، نمونه‌های نادری از سابقه تقلید از وی در دست است مانند شاه‌صفی که اردبیل و کلخوران را در ۱۰۴۳/۱۶۳۳ و ۱۰۴۶/۱۶۳۶ با پای پیاده زیارت کرد، و فرزند او، عباس دوم، به‌هنگام لشکرکشی به‌قندهار، با پای پیاده در ۱۰۵۸/۱۶۴۸ به زیارت مشهد رفت. سرانجام وجوه شخصی و سیاسی و اقتصادی شاه‌عباس اول در زیارت‌های پی‌درپی او به مشهد، و سپس، رقابت او با عثمانیان در باب مسأله حج و رفتن به‌مکه، در این سخنرانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

لوفت* (از دانشگاه منچستر): «تصویر پیامبران و امامان در نقاشی‌های دوره پایانی تیموریه و اوائل صفویه»

موضوع این سخنرانی مسأله نقاشی «مذهبی» در قرون ۱۵ و ۱۶م. در ایران است. با پیدایش طبقه علما به‌منزله نیروی تنظیم‌کننده امور دینی و اجتماعی در جهان اسلام، از نمایش تصویر موجودات جاندار در ملاء عام جلوگیری شد. اگرچه این ممانعت هرگز به‌طور جدی به‌عمل نیامد، و به‌طور کلی نقاشی در قلمرو کتاب در دربارها، به‌صورت محدودی باقی ماند و از پیشوایان ادیان مانند پیامبران، از جمله پیامبر اسلام، فقط در

* این اولین سخنرانی، از سلسله سخنرانی‌های چهارگانه هنر ایران در دوره صفویه از یک پژوهشگر مجرب آلمانی از دانشگاه منچستر بود. تمامی این چهار سخنرانی با نشان دادن تقریباً یک‌هصد اسلاید رنگی از آثار نقاشی، دست‌نویسها، کارهای فلزی مانند ظروف مختلف، علامت و علم و کتبل و مانند آنها همراه بود که با توضیحات مشروح در تاریخچه و علل پیدایش و سیر مذهبی این آثار و بسیاری مطالب مربوط دیگر، توجه همه حاضران علاقه‌مند و اهل ذوق و دانش را چنان جلب کرد که مایل نبودند آن جلسه طولانی به پایان برسد. گویا این چهار سخنران که از دانایان رشته‌های خود می‌باشند، به میانداری شهریار عدل پژوهشگر ایرانی در هنر ایران، پیامدارانی بودند که در برابر

زمینه قانون کلی ادبیات در جهان اشرافی ایران، تصاویری کشیده شد.

در طول قرن ۱۵م، تشیع و احساسات مذهبی همه‌پسند در حوزه فرهنگ دریاری، نفوذ کرد و به‌ویژه حرمت امام علی در شعر دوره پایانی تیموری اهمیت یافت، گرچه این پدیده، مسبوق به سابقه بود. این طرفداری از تشیع به‌طور روزافزون وسیله‌ای گردید برای ابراز احساسات در تاریخ‌گذاری امامان شیعه. با این حال، این دو پیشامد، باعث آزادی نقاشی در آثار متأثر از مذهب نگردید؛ در عوض، چند اثر معدود تاریخی و مذهبی مانند روضه الصفا می‌خواند یا اسرار المظفر نظامی، دگرگونی جهان اسلام را با تکیه زیاد بر زندگانی و کردار امام علی و تاریخچه مصائب امامان در قلمرو تشیع جلوه‌گر ساخت. آنان در این تصاویر، در میان سایر پیامبران و مؤمنان، از طریق یک حجاب به‌روشنی نمایان و مشخص می‌شوند.

به‌هر تقدیر، به‌نظر می‌رسد نسخ خطی با این اختصاصات پیش از قرن ۱۶م. و آغاز

گزارشگران تاریخی و مذهبی جلسات دیگر، فرصت کافی یافتند تا یافته‌های خود را در دید همگان قرار دهند و حفظ بصر بخشند.

جای تأسف است که چکیده دو سخنرانی دیگر از هیلن براند، پژوهشگر آگاه نقاشی‌های شاهنامه (از دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند) و ملیکیان شیروانی، یکی از پژوهشگران و متخصصان برآوازه هنر اسلامی به‌ویژه فلزکاری، در غرب، در دسترس نبود تا مورد استفاده قرار گیرد.

در همین‌جا باید اشاره شود که نقل چکیده‌های سخنرانی دو تن استادان فاضل ایرانی یعنی ایرج افشار یزدی و احسان اشرافی قزوینی هم با ناکامی مواجه شد. نام ایرج افشار همراه با نام استادان نامداری چون محمد ابراهیم باستانی یاریزی (کرمانی) و منوچهر ستوده طهرانی (هر سه از دانشگاه طهران، اولی و سومی بازنشسته هستند) در زمینه‌های مختلف تاریخ پرنشیب و فراز ایران چندین هزار ساله، ثبت بر جریده تاریخ است به‌طوری که هیچ قفسه کتاب فارسی در جهان پیدا نخواهد شد که مجلداتی از آثار این سه ستون معاصر تاریخ ایران در آن یافت نشود. استاد اشرافی هم در پایه‌های اداری و علمی دانشگاه طهران، سالهاست مصدر امور بوده و از پژوهشگران پرکار و خوشنام می‌باشد. (وی در سخنرانی خود به این نکته پرداخت که اقدام شاه طهماسب در برگزیدن قزوین به‌عنوان پایتخت ایران، تنها به علل استراتژی و نظامی نبود بل به این سبب بود که قزوین یک شهر کاملاً سنی مذهب بود. نتیجه شاه طهماسب با زحمات فراوانی توانست مساجد و مدارس در آن شهر بنا کند و با کتیبه‌های شیمی آنها را زینت دهد. سپس علمای یزرگ به قزوین آمدند و به انجام کارها گماشته شدند).

سرانجام، چکیده سخنان خانم شعله کوئین نیز به‌دست نیامد. این سخنران که دارای مادری ایرانی و پدری امریکایی‌ست، جوان‌ترین عضو این جلسات بود که با عشق و علاقه به‌سرزمین مادری خود، مقاله‌اش را خواند. وی در بخش تاریخ دانشگاه هاوایی در امریکا به پژوهش و آموزش می‌پردازد. (این پژوهشگر جوان در بحث مفصلی چگونگی دیباچه‌های برخی از کتب تاریخی و شرح وقایع دوران صفویه را که دارای یک ساختار ویژه همیشگی‌ست و سنت تاریخ‌نگاری دوره تیموری را دنبال می‌کرد و بر طرز تاریخ‌نگاری آلف تومولو ترجیح داده می‌شد، مورد بررسی قرار داد).

عز هفتم

سفر

نمونه

پیاده

کار تا

شهر

متشان

تیبانی

مانند

تقلید

۱۶۳۱ و

پرکشی

مخفی و

قابت او

گیرد.

دۀ پایانی

است. با

سلام، از

ت هرگز

به‌صورت

فقط در

نگر مجرب

آثار نقاشی،

بات مشروح

قیمتند و اهل

که از دانایان

که در برابر

قرن ۱۷م. نقاشی نشده باشند. تنها شمار قابل ملاحظه‌ای از نسخ خطی روضة الصفا و روضة الشهداء (اثری مذهبی از کاشفی، مبلغ و محقق دوره پایانی تیموری) باقی مانده است. افزون بر این، سندی ویژه در دست نیست که برقراری تشیع اثنی عشری را در ایران در میان نقاشی کتابهای دوره پایانی صفویه، نشان دهد.

اُن * (از آکسفورد): «پولادکاری در دوره صفویه»

از فلزکاری آغاز دوره صفویه، آثار نسبتاً کمی باقی مانده است. اولین هدف این سخنرانی آن است که کیفیت فلزکاری در زمان شاه اسماعیل و شاه طهماسب، با توجه به اشیائی مانند کمر بند شاه اسماعیل، تعدادی خنجر و پرچم و علم سپاهی که باقی مانده است، بررسی گردد.

در این جا تنوع و کیفیت آثار صنعتی از طریق شرح و نمایش پرچمها و علمها در شاهنامه شاه طهماسبی و دیگر نسخ خطی دارای تصویر، همراه مقایسه با همان آثار در آغاز دوره صفویه و تعدادی دیگر از آغاز قرن ۱۸م. و مطابقت با آتش‌زنه‌های اوایل و اواخر دوره صفویه، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

سپس به این نتیجه می‌رسد که احتمالاً در دوره صفویه بر اساس تحول و توجه از سپاهی به مذهبی، از تجاوز به پرهیزکاری و تهذیب، از پولاد ساده به تصاویر چند رنگی، و شاید از پشتیبانی مقدماتی دربار به تولید گروهی برای بازارهای وسیعتری که همراه با کامیابیهای چندانی نبود، جنبشی و جهشی به وجود آمد.

□ هرزیگ (از دانشگاه منچستر): «پیدایش بازرگانان جلفا»

شبکه وسیع تجارت، ثروت و کامیابی استثنایی بازرگانان ارمنی جلفای روسیه در قرن هفدهم میلادی، توجه و علاقه فراوانی را به خود جلب کرد، اما تاریخ آغاز فعالیت

* چمز الن، پژوهشگر توانای موزه اشمولیان در آکسفورد است. وی یکی از چهار تن دست‌اندرکاران هنرهای ایران در جلسه پنجم بود. او دارای آثار و مقالات متعدد در رشته پژوهشی خویش است.

□ ادموئد هرزیگ جوانی ست‌لاغر اندام و بلند قد و عینک‌دار. پدر او که اهل علم و فضل و ساکن انگلستان بود از مهاجران آلمانی‌زبان اطریش بود. ادموئد خود تحصیل‌کرده دانشگاه کمبریج است و اکنون در دانشگاه منچستر به پژوهش و آموزش اشتغال دارد. وی شاید یکی از معدود پژوهشگران و شرق‌شناسان غربی‌ست که غیر از زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی - که پس از فارسی و عربی، از زبانهای اولیه و از ابزار اساسی ورود به پهنه پژوهش در جهان خاورشناسی‌ست - به جهت استعداد زبان‌دانی و به سبب چند سال اقامت در شوروی و ارمنستان، زبانهای ارمنی و روسی را به خوبی آموخت و وسیله برخی از پژوهشهای خود ساخت.

آنان پیش از آمدنشان به اصفهان، در ۱۶۰۵م.، کمتر شناخته شده است. جلفا تا میانه قرن ۱۶م. مرکز عمده بازرگانی محسوب نمی‌شد، با این حال در عرض چند دهه، بازرگانان آن ناحیه به‌عنوان صادرکنندگان اصلی ابریشم خام ایران به کرانه‌های خاورمیانه شهرت یافتند، در حالی که آنان قبلاً پایه‌های شبکه داد و ستد از مدیترانه تا اقیانوس هند را پی‌ریزی کرده بودند.

در این سخنرانی علل شروع جالب توجه بازرگانی جلفا، در دوره‌ای که معمولاً به‌عنوان یکی از طوفانی‌ترین و آشفته‌ترین ادوار تاریخ ارمنستان و تمامی مرز عثمانی - صفوی شناخته می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این بررسی بر روی پایه‌های سه‌گانه علت و معلول زیر تمرکز می‌یابد:

۱- عوامل جغرافیایی و اقتصادی محلی و منطقه‌ای. مهمترین این عوامل، موقعیت جلفا مربوط به نواحی عمده فرآورده ابریشم (گیلان، شروان، قره‌باغ) و مراکز جمع‌آوری آن (رشت، تبریز، شماخی، گنجه) بود. اهمیت ویژه جلفا، در موقعیت جغرافیایی آن نیز بود که بهترین محل تلاقی بر روی رودخانه ارس جهت حمل و نقل به غرب از شمال ایران محسوب می‌شد.

۲- عوامل سیاسی. در این‌جا مناسبات جلفا با فرمانروایان عثمانی و صفوی، و سرنوشت آن در طول مبارزات طولانی آنان، بررسی می‌شود و پیشرفت مناسبات مخصوص مردم جلفا با دربار صفویه که به پشتیبانی نزدیک شاه عباس اول منجر گردید، مورد توجه دقیق قرار می‌گیرد.

۳- عوامل اقتصاد جهانی. در قرن ۱۶م. به‌سبب افزایش قابل توجه خریداران اروپایی ابریشم خام ایران، در نواحی مدیترانه پیشرفته‌های متعدد مهمی حاصل گردید. در آن میان رشد صنعت ابریشم در اروپای غربی و افزایش حاصل آن برای ابریشم خام قابل ذکر است. همچنین در سایه رشد صادرات شمش نقره توسط آنان به شرق، وضع تجاری موثر روزافزونی در بین بازرگانان اروپایی در نواحی مدیترانه دیده می‌شود. پیشرفت سوم که در آغاز قرن ۱۶م. صورت گرفت نیروی ویژه‌ای برای خرید ابریشم خام و سایر کالاهای خاورمیانه به‌دست بازرگانان اروپایی به‌وجود آورد و باعث کامیابی شرکت هلندی هند شرقی شد که در امر تجارت ادویه به اروپا بود و این فعالیت به‌طور کلی از نواحی مدیترانه تا مسیر دماغه امید ادامه داشت.

در پایان سخنرانی، این بحث پیش می‌آید که تنها درک کامل علل سه‌گانه بالا، می‌تواند پیدایش بازرگانان جلفا را از لحاظ تاریخی و اقتصادی توجیه کند. اگرچه برخی

نقل هفتم

نان الصفوا

ام‌اقی مانده

حیی را در

افتا

لا

عروف این

سفر با توجه

اقی مانده

نلقا علمها در

نان آثار در

نق اوایل و

یرا

و توجه از

سرنوشت رنگی،

ختم همراه با

ورد

رد

را روسیه در

ابلاغ فعالیت

جای کاران هنرهای

سوا

کالی انگلستان بود

بنامشگاه منچستر

بد غیر از زمانهای

بهینه پژوهش در

زمانهای ارمنی

سی

از مطالب مورد بحث با اسناد و شواهد کمی همراه بود، و بعضی از استنتاجها نیز دارای جنبه نظری است؛ ولی پژوهش در منابع موجود، تأثیر متقابل و پیچیده عوامل اقتصادی و سیاسی محلی و منطقه‌ای و جهانی را که پایه کامیابی به‌ظاهر زودگذر جلفا بود، به‌خوبی نشان می‌دهد.

فلور* (از بانک جهانی): «تولید و تجارت فرش در ایران صفویه»

علی‌رغم ادعای بسیاری از مورخان هنری، هیچ سندی در مورد صدور معتبر و فعال منسوجات ایران در این دوره در دست نیست. گذشته از این، تولید فرش از نوع مرغوب آن، در استانهای خراسان و کرمان و اصفهان انجام می‌شد. نهایتاً اسناد کمی درباره نقش مهم کارخانه‌های درباری یا بیوتات در این رشته بازرگانی وجود دارد.

شویه[◇] (از مرکز پژوهشهای علمی پاریس): «بستگیهای خویشاوندی با صفویه در

میان ایران قزلباش در...»

از همان نخستین روزهای فرمانروایی صفویه در ایران، هدف روش دودمانی بر تشکیل پیوستگی زناشویی با اعضای کلیدی حوزه‌های سیاسی در دربار و ولایات استوار بود. در طول قرن ۱۶م. صفویان با خانواده‌های طوایف مهم از قزلباشان، و دیگران ازدواجهای داخلی انجام می‌دادند. در سراسر این قرن، شبکه خویشاوندی در میان صفویان و قزلباشان به‌طور پیچیده‌ای رشد کرد. اهمیت اجتماعی و تکالیف مناسبات

* ویلم فلور پژوهشگر هلندی است که در بانک جهانی در واشنگتن کار می‌کند. در عین حال، وی در زمینه تاریخ تجاری ایران تاکنون مقالات و کتب متعدد و معتبری منتشر ساخته که مقداری از آنها در چند سال اخیر به فارسی ترجمه شده است. او از پژوهشگران کم‌شماری است که با دسترسی به اسناد قدیمی در تاریخ و به‌ویژه تجارت ایران که در بایگانیهای هلند (موطن وی) و سایر کشورهاست، توانسته با پژوهشهای خود، یکی از ضروری‌ترین گوشه‌های تاریخ قرون اخیر ایران را بازگویی کند و برگهای نویسی بر آن بیفزاید. وی زبان فارسی را خوب می‌داند و مرد خوش خلقی است، و در بیان و ارائه مسایل پژوهشی و اجازة استفاده از دانش او به‌ویژه جهت ترجمه کردن، شخصی گشاده‌دست است.

◇ ماریا شویه خانم جوان فرانسوی است که در تاریخ صفویه پژوهش می‌کند. وی سومین زن و آخرین سخنران جلسات بود که با بیان مفصل نیم‌ساعته خود در جزئیات موضوع، توانایی پژوهشی خود را به زیباترین وجهی نشان داد. این پژوهشگر، یک سالشمار چهاربرگی در مورد نامهای مذکور در سخنرانش مانند محمدخان، اعضای سه‌نسل، مسیب خان، و پیوستگیهای خویشاوندی صفویان با طایفه تکلو تهیه کرده بود. وی کتابی در مسائل تاریخ سیاسی و اجتماعی هرات در ارتباط با تیموریان و ازبکان و صفویان در نیمه اول قرن ۱۶م. تألیف نموده که در بلژیک در ۱۹۹۲م. چاپ شده است.

خویشاوندی، از سوی پدری و مادری، باید در مرحله تأکید قرار گیرد، و پایه بلند خویشاوندی مردان درباری قزلباش را هم نباید از نظر دور داشت. در این مورد، این حقیقت که آنان با خانواده حاکم ارتباط داشتند، از یک جهت به بلا تکلیفی سنتی وفاداری به شاه حاکم (نماینده تشکیلات مرکزی) و از جهتی به آن طایفه، امتیاز ویژه‌ای می‌داد. زمانی که یکی از این وفاداریها، در صورت برخورد منافع، باید به کنار نهاده شود، مقررات اجتماعی خویشاوندی، اختیارات سیاسی را بفرنج می‌سازد.

موضوع مورد بحث در این سخنرانی، خانواده شرف‌الدین اوغلو تکلوست. دوره زندگانی سه نسل از آنان را می‌توان تا حدود ۶۰ سال — از پایان دهه ۱۵۲۰ تا ۱۵۹۰ م. — پیگیری کرد. آنان همچنین دارای مناسبات ویژه‌ای با خانواده حاکم بودند.

نسل اول: محمد خان شرف‌الدین تکلو (متوفی ۱۶۶۴/۱۵۵۷ در هرات) حاکم هرات و رئیس طایفه تکلو بود. کلید پیشرفت سیاسی او — حتی در زمانی که می‌بایستی علیه طایفه خود گام بردارد — در وفاداری شخص وی نسبت به شاه طهماسب قرار دارد. محمد خان، داماد زن اصلی طهماسب بود که با خواهر آن زن ازدواج کرده بود [وی ابتداء حاکم قزوین (۱۶۳۳-۱۵۲۶-۷) شد. دو سال بعد به حکومت بغداد رسید و عنوان «خان» یافت. حدود دو سال بعد (? ۱۶۳۷-۳۱/۱۵۳۰) در عمل، امیر طایفه تکلو گردید. او در ۱۵۳۳-۳۴/۱۶۴۰ از بغداد بازگشت و اصفهان به عنوان تیول به او داده شد. در ۱۵۳۶-۷/۱۶۴۳ حاکم هرات و خراسان شده و لالای سلطان محمد (شاه محمد خدا بنده) شاهزاده صفویه گردید و سرانجام در ذوالقعدة ۱۶۶۴/اگوست-سپتامبر ۱۵۵۷ م. فوت کرد].

نسل دوم: پسران محمد خان، به ویژه مسیب خان (متوفی ۱۶۹۸/۹۰-۱۵۸۹ در ری) بود که پسر خاله شاه محمد و شاه اسماعیل دوم یعنی پسران شاه طهماسب و زن اصلی او، خاله مسیب خان محسوب می‌شد. زندگانی مسیب خان با جلوس پسرعموهایش بر تخت سلطنت بالا گرفت. اگرچه پیشامدهای مختلف در مورد تواناییهای سیاسی او، به زیر سؤال می‌رود، با وجود این مسیب خان به ریاست طایفه تکلو نایل آمد.

مسیب خان به عنوان رئیس طایفه تکلو، مجبور گردید با کشمکشهای شدید میان صفویه و تکلو روبرو شود، و نتیجه می‌بایستی آزادی تداوم بی‌ری محدود شده باشد. او در میان منافع سیاسی و امیال تکلو و شاه، دچار چندگانگی شد. وضع او، تناقض اخلاقی را آشکار می‌سازد که فرزندان خویشاوندان درباری اش که از محیط اجتماعی قزلباشان برخاسته بودند، متأثر از آن و تابع آن بودند. ماهیت خویشاوندی او در وظایفش نسبت

حلقه
نظم
خرای
خری و
نوی
با
طا
با
فعال
رغوب
زنا نقش
پ
وبوه در
طا
گانی بر
استوار
بلیگران
فر میان
تناسبات
شزینة تاریخ
رسی ترجمه
پیران که در
به‌های تاریخ
داند و مرد
بن، شخصی
نرین سخنران
و بی نشان داد.
نمای سه نسل،
تاریخ سیاسی و
یک در ۱۹۹۲ م.

به‌صنوفیه، دقیقاً در دوران شورش تکلو در ۴-۱۹۱۲/۱۵۸۴-۶ روشن شد.
 نسل سوم: مختار سلطان تکلو (متوفی ۱۹۱۸/۱۵۸۹-۱۰ در شیراز) برادرزاده منسب
 خان، نخست به‌عنوان دنباله‌روی عموی خود، سپس به‌عنوان دنباله‌روی یک نفر شورشی
 به‌نام امیرذوالقدر، هرگز به پایه بالاتر از سلطان ی نرسید. پس از شورش تکلو، وی شاهد
 واژگونی موقعیت مهم خانواده خود بود. سرفگونی تکلو و سایر طوایف بعدی، مسلماً
 می‌تواند به‌عنوان آغاز تمایل کلی ضد قزلباشی حکومت شاه عباس از ۱۵۸۷/۱۹۱۵ مورد
 بررسی قرار گیرد.

توجه اصلی این پژوهش در مورد افراد، در الگوهای پیشرفت اجتماعی و سیاسی
 ایران صفویه قرار دارد. در یک زمینه وسیعتری، تاریخ خانواده قزلباش که در این
 سخنرانی مورد بحث قرار گرفت - آغاز و برخاستن آنان منوط به‌شایستگی شخصی
 یکی از افراد آن، و ترویج آن در سایه مناسبات خوشاوندی و سرنگونی آن پس از
 شورش طولانی - بازتاب روشهای کلی قرن می‌باشد.

کمبریج، انگلستان، دسامبر ۱۹۹۳ م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی